

### متن پرسش

با سلام و آرزوی توفیق برای آن استاد گرامی و با عرض سپاس فراوان از اینکه فرصتی جهت طرح سوالات فراهم کرده اید. مدتهاست که پرسشی دارم اما حیفم می آید وقت شریف شما را با حرفهای خود تباه کنم. اما ظاهرا چاره ای نیست. فقط تاکید میکنم که قصدم از طرح این سوال مشاوره خانوادگی نیست. قریب هفت سال است که ازدواج کرده ام و ظاهرا زندگی خوبی داریم. چندی پیش همسرم بحث ازدواج مجدد را مطرح کرد و از آن به عناوین مختلف دفاع نمود. بعد از مدتی اعلام کرد که خانم فلانی را برای این کار مناسب میدانند و فقط می خوهند من هم اجازه بدهم. او معتقد است که این یک تکلیف الهی است و وظیفه شرعی هر مردی است که توان این کار را دارد و چنانچه من اجازه ندهم روز قیامت باید پاسخگو باشم. او معتقد است که انگیزه اش برای این کار نه شهوت است و نه علاقه به آن خانم. بلکه فقط میخواهد تکلیف الهی اش را که گسترانیدن سفره حمایت و محبت است انجام دهد. گاهی می تواند با بحث های طولانی و ارائه نظراتی که من اسمش را (تذ محبت کردن به دیگران به هر قیمتی) گذاشته ام مرا به شک بیندازد. اما چه کنم با دل بیقرار و قلبی که هرگز حضور شخص دیگری را برنمیتابد. گرچه دوست دارم ساعتها با شما در این زمینه درد دل کنم اما سخن را کوتاه میکنم. سول من این است آیا واقعا ازدواج مجدد برای مردی که با همسر اولش مشکل جسمی و عاطفی و ... ندارد یک تکلیف شرعی است؟ اگر هست من برخورد خود را با ایشان تغییر دهم و اگر نیست چگونه این مطلب را تفهیم نمایم؟ و سوال دوم من که پاسخش برای خودم خیلی مهم است: اگر ازدواج مجدد یک تکلیف شرعی برای مردان است پس این حس عجیبی که در وجود من این امر را نمیپذیرد و البته همسرم نام آن را حسادت میگذارد چیست؟ چرا خداوند چنین حسی را در وجود من نهاده؟ آیا واقعا باید با این حس قوی، مثل حسادت و تکبر و دیگر رذائل اخلاقی مبارزه کنم و آن را از وجود خود برانم؟ فکر کردن به این مسائل مرا نسبت به دین و مسائل دینی ام سرد و بی انگیزه کرده است حتی بهتر است بگویم جوانه های شک در دلم روئیدن گرفته و ... حال آنکه پیش از آن گمان میکردم که دارم در مسیر بندگی قدمهای خوبی برمیدارم. با تشکر مجدد

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام در بعضی موارد مردان در ازدواج موقت به دنبال یک نوع تنوع در امور جنسی خود هستند و بقیه‌ی حرف‌ها بهانه است، ولی از سخنان شما برمی‌آید که همسر جنابعالی این‌طور نیست. در نظر بگیرید اگر شما صد هزار تومان داشته باشید که خیلی در زندگی شما نقشی

ندارد ولی یک ماه خانواده ای را از گرسنگی نجات می‌دهد می‌توانید آن صد هزار تومان را نگه دارید؟ واقعاً اگر مردی احساس کرد می‌تواند در عین حفظ زندگی خود با همسرش ، سایه‌ای بالای سر خانمی باشد که سراسر زندگی او همراه با تنهایی و یک‌نواختی است، باید چه کار کند؟ کافی است هفته‌ای یک شب یا دو شب آن زندگی را از آن حالت یأس و دل‌مردگی نجات دهد. این مسئولیت چیزی است که بعضی مردان احساس می‌کنند. متوجه‌اند هیچ باری بر دوش آنان نیست ولی بار سنگینی را از دوش یک خانمی برمی‌دارند در حالی‌که خانم‌ها چنین مسئولیتی ندارند تا آن دغدغه‌ها را داشته باشد. آری قبول دارم که بعضی مردها در امر ازدواج موقت رعایت حقوق همسر اول را نمی‌کنند و باز قبول دارم که متأسفانه جامعه طوری است که وقتی خبر چنین عملی را شنید برای همسر اول یک نوع سبکی به همراه می‌آورد، ولی همچنان که عرض کردم اگر با موضوع درست برخورد شود و امثال شما هم متوجه باشید با رضایت شما یک زن احیاء می‌شود و مردها هم بتوانند میل‌های خود را مدیریت کنند، نه شما آنچنان تحت فشار روحی قرار می‌گیرید که فکر کنید خداوند با طرح چند همسری به زنان جفا کرده و نه مردان گرفتار جنبه‌های افراط و تفریط می‌شود و فکر کنند این کار برای هر مردی مقدور است. برای آن کسی که مقدور است با حفظ همه‌ی جوانب یک مسئولیت است. و این در صورتی است که همسر رسمی او هم در این امر احساس مسئولیت کند و همراهی نماید تا به او بی‌حرمتی نشود. موفق باشید